بررسی وحدت محتوایی روایات صحیح‌الاسناد با مجموعه روایات اندیشه غیبت مهدی(ع)

ریحانه سمیعی

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث ، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: rs.yasalam@gmail.com

(نویسنده مسئول)حسن نقی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث ، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر مهدیه پاکروان

دکترای تخصصی تاریخ اسلام، گروه پژوهشی پویافکر، تهران، ایران

دکتر سهیلا پیروزفر

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

این پژوهش به تحلیل گونه‌شناختی روایاتی می‌پردازد که دلالت صریح بر اندیشه غیبت امام زمان (ع) دارند. نوآوری اصلی این تحقیق در اتخاذ رویکردی تطبیقی و ایجاد دو لایه داده‌ای مستقل برای پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا روایات صحیح‌الاسناد امامی، الگوی گونه‌شناختی متفاوتی در مقایسه با مجموعه کل روایات (شامل امامی و غیرامامی) ارائه می‌دهند یا خیر؟ تحقیق حاضر با بهره‌گیری از تکنیک گونه‌شناسی و تحلیل محتوای گزاره‌محور، به بررسی روایات غیبت پرداخته است. در این راستا، ۱۵۲ روایت صریح (با ریشه‌های واژگانی مشخص) از ۵۱ منبع حدیثی شناسایی و گردآوری شده و پس از شماره‌گذاری، در دو لایه داده‌ای مجزا (مجموع روایات و احادیث صحیح‌الاسناد) سازمان‌دهی شدند. سپس، گونه‌شناسی و الگوهای محتوایی این دو لایه به صورت تطبیقی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت محتوایی معناداری بین این دو مجموعه وجود ندارد، روایات صحیح‌الاسناد امامی به تنهایی برای تبیین جامع و کامل اندیشه غیبت کفایت می‌کند و تمامی زوایا و مفاهیم بنیادین این آموزه را در خود جای داده‌اند. این پژوهش با رد فرضیه تأثیرپذیری اندیشه غیبت از جریان‌های فکری غیرامامی، بر اصالت و کفایت روایات معتبر شیعه در این زمینه تأکید می‌کند.

کلید واژگان: اندیشه غیبت مهدی، گونه‌شناسی روایات، روایات صحیح‌الاسناد.

مقدمه

اعتقاد به غیبت امام دوازدهم شیعیان، یکی از ارکان اساسی در کلام امامیه است که ریشه در آموزه‌های معصومان دارد. با این حال، برخی از نظریه‌ها اندیشه غیبت را، متأثر از جریان‌های فکری غیرامامی قلمداد می‌کنند.[۱] بررسی صحت و سقم این نظریه‌ها مستلزم بازخوانی دقیق و طبقه‌بندی شده متون روایی است؛ بر همین اساس این مقاله در صدد است تا با اتخاذ رویکردی جامع، به گونه‌شناختی[۲] نظام‌مند روایات تصریحی غیبت امام عصر بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که آیا روایات صحیح‌الاسناد، الگوی گونه‌شناختی متفاوتی از کل روایات شیعی (شامل امامی و غیرامامی) ارائه می‌دهند یا خیر؟ در این پژوهش روایات تصریحی به احادیثی گفته می‌شود که به‌صراحت و بدون ابهام، با استفاده از واژگان و الفاظی روشن، به موضوع غیبت اشاره کرده‌اند. مرکز ثقل این دسته‌بندی، ریشه‌های واژگانی مانند «غیب»، «کتم»، «ستر»، «غمر» و «فَقْد»[۳] است. همچنین، این روایات از تعبیرهای واضحی چون «لا مَکانَهُ»[٤] و «لا یرَی»[٥] بهره برده است. این دسته از احادیث، به دلیل صراحت در بیان و عدم نیاز به تأویل یا پیش‌فرض‌های کلامی،[٦] از اهمیت ویژه‌ای در مباحث مربوط به غیبت برخوردارند و دلالت آن‌ها بر موضوع غیبت قطعی است. در این پژوهش، تمرکز بر گونه‌شناسی موضوع محورِ همین دسته از روایات است.

پیشینه تحقیق

پیشینه دسته‌بندی‌های روایات غیبت را می‌توان در آثاری چون «فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی»[۷] ملاحظه نمود. این کتاب در قالب یک موسوعه مهدویت، روایات غیبت را در چارچوب عنوان‌بندی‌های کلی و موضوعی ارائه کرده است. از منابع دیگر کتاب «معجم الأحادیث الإمام المهدی»[۸] است. این اثر به عنوان یک مجموعه جامع حدیثی، احادیث مهدوی را به ترتیب راویان

---

۱. برای نمونه: ویلفرِد مادلونگ معتقد است: کتبی که درباره غیبت شناخته شده‌اند، به وسیله واقفیان کوفی نگاشته شده‌اند.
(Madelung, Wilferd. *AL-MAHDI*, Encyclopedia of islam v ۱۲p).

۲. گونه‌شناسی، به معنای شناخت گونه‌های مختلف یک پدیده و به بیان دقیق‌تر، طبقه‌بندی روشمند پدیده‌هایی است که به یک خانواده و مجموعه وابسته‌اند. (الویری، گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع، ۹-۱۰). برای دستیابی به طبقه‌بندی علمی در گونه‌شناسی، رعایت قواعدی چون: جامعیت و مانعیت گونه‌ها، تمایز و وضوح در تعریف گونه‌ها، نظم و هماهنگی میان گونه‌ها و قسیم هم بودن و ملاک واحد داشتن ضروری است. (نک: پاکروان، تحلیل تاریخی «پنداره مهدی خشونت‌گرا»، ۷۰ و ۷۱).

۳. در روایات واژه فقد معادل غیب به‌کاررفته است.

٤. برای نمونه: لَمْ یعْلَمُوا بِمَکَانِهِ. (کلینی، الکافی، ۱، ۳۳۲).

٥. برای نمونه: لَایرَی جِسْمُهُ. (صدوق، کمال‌الدین، ۲، ۳۷۰ و ۶۴۷).

٦. احادیثی که در کنار یکدیگر از دیدگاه کلامی اندیشه غیبت را اثبات می‌کنند مانند ۱۲ امام، نسب ایشان و خالی نبودن زمین از حجت و .... جزء روایاتی که دلالت تصریحی بر اندیشه غیبت دارند قرار نگرفته است.

۷. کورانی عاملی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، سراسر اثر.

۸. مؤسسه معارف اسلامی، معجم الأحادیث الإمام المهدی، سراسر اثر.

(از پیامبر تا امامان) گردآوری کرده و ارجاعات مفصلی به منابع شیعه و سنی ارائه داده است. این دسته‌بندی‌ها بیشتر شبیه به فهارس و معجم‌ها عمل می‌کنند و گونه‌شناسی محسوب نمی‌شود.

در میان پژوهش‌های اخیر، در موضوع روایات غیبت رساله «اصالت و اعتبار احادیث غیبت و وابستگی آن به واقفه» نوشته مرتضی نادری، به بررسی سندی روایات و تأثیر راویان واقفی پرداخته است، اما دسته‌بندی او بر اساس نام معصوم و نه بر اساس محتوای روایات صورت گرفته است. ازاین‌رو، این اثر را نمی‌توان گونه‌شناسانه به‌شمار آورد. از امتیازات دیگر پژوهش حاضر، بررسی حدود ۵۰ روایت بیشتر نسبت به این پژوهش است که به‌دلیل پوشش گسترده‌تر منابع، امکان‌پذیر شد.

از دیگر نگاشته‌ها، رساله «بررسی تأثیر واقفه بر حدیث امامیه؛ با تأکید بر مفاهیم امامت، غیبت، رجعت» است. سعیده سادات موسوی‌نیا، با استفاده از شیوه تاریخی و بررسی سند و متن، به تأثیر واقفه بر روایات «امامت»، «غیبت» و «رجعت» می‌پردازد.

با وجود تلاش‌های انجام‌گرفته در حوزهٔ اندیشهٔ غیبت مهدی(ع)، تاکنون هیچ پژوهش جامع و موضوع‌محوری که به‌صورت نظام‌مند و با الگویی دقیق به گونه‌شناسی روایات غیبت پرداخته باشد، سامان نیافته است. بیشتر آثار پیشین به دسته‌بندی‌های موضوعی کلی یا طبقه‌بندی بر اساس معصومان اکتفا کرده و به تفاوت‌های تحریری و لایه‌ای موجود در متون روایی نپرداخته‌اند. از کاستی‌های پژوهش‌های پیشین، عدم تمایز میان روایات یکسان با اختلاف در تحریر است. برای مثال، گفته شده که حدود ۶۰۰۰ روایت مهدوی وجود دارد،[1] در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از آن‌ها در واقع تحریرهای مختلفی از یک روایت واحدند. این پژوهش با در نظرگیری تحریرها و اسناد روایات، تعداد و تصویر روشن‌تر و دقیق‌تری از احادیث مرتبط با اندیشهٔ غیبت ارائه می‌دهد.

امتیاز دیگر این تحقیق، تأکید بر روایاتی است که به‌طور صریح و مستقیم به موضوع غیبت پرداخته‌اند، با ریشه‌های واژگانی همچون «غیب»، «کتم»، «ستر»، «غمر» و «فقد». انتخاب این دسته از روایات به دلیل صراحت لفظی و دلالتی است که اتقان لازم را در اثبات اصل غیبت دارا هستند و برای استنباط، نیازمند پیش‌فرض‌های کلامی نیستند. در مقابل، روایاتی که به صورت تلویحی(ضمنی) به غیبت اشاره دارند، مانند روایات حاوی واژهٔ «ظهور» که برداشت مستقیمِ غیبت از آن‌ها دشوار است، یا روایات مربوط به «انتظار فرج» که ممکن است مقصود از فرج، گشایش در امور عمومی باشد، به دلیل عدم صراحت، در این دسته‌بندی جای نگرفته‌اند. تحلیل این روایات بر اساس «واحد گزاره» نیز مسیری جدید برای مطالعات عمیق‌تر در این عرصه می‌گشاید.

علاوه بر این، در حالی که بیشتر مطالعات پیشین روایات غیبت را به مثابه‌ی مجموعه‌ای همگن تحلیل کرده‌اند، در این پژوهش روایات صحیح‌الاسناد امامی از کل مجموعه جدا شده‌اند تا الگوی گونه‌شناختی آن‌ها با الگوی کل روایات (اعم از امامی و غیرامامی) مقایسه و تطبیق داده شود. منظور از روایات صحیح‌الاسناد، روایاتی است که سلسله سند آن از طریق راویانی ثقه و امامی مذهب به معصوم برسد.[2] در مجموع، ۲۵ روایت از کل روایات صریح درباره غیبت، دارای چنین سندی هستند.

---

۱. به عنوان نمونه نک: صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، سراسر اثر.

۲. در این پژوهش، در مواردی که اختلاف نظرهای رجالی مانع از اتخاذ نظر قطعی می‌شد، معیار تشخیص، رویکردی سختگیرانه و مبتنی با اجماع نظرات کتب رجالی بوده است، اما چنانچه ارزیابی بر اساس معیارهای نرم‌افزار تخصصی «درایه‌النور» انجام می‌پذیرفت، شمار احادیث صحیح‌السند به حدود (یعنی ۴۱ مورد) افزایش می‌یافت.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با بهره‌گیری از تکنیک گونه‌شناسی و تحلیل محتوای روایات، در دو مرحله اصلی انجام شده است.

در گام اول، تمامی روایاتی که دلالت تصریحی بر اندیشه غیبت دارند و از واژگانی چون (غیب، کتم، ستر، غمر، و فقد) بهره گرفته‌اند شناسایی و گردآوری شدند. این جستجو منجر به یافتن ۱۵۲ روایت در ۵۱ **کتاب** حاوی روایات صریح درباره غیبت امام عصر گردید. پس از گردآوری، برای هر روایت با توجه به تفاوت‌های متنی و سندی، یک عدد اختصاص داده شد. سپس روایات به صورت **گزاره‌محور** احصا، دسته‌بندی و با پایبندی به عبارات موضوع‌گذاری شدند. در گام بعدی، بیست و پنج روایت **صحیح‌الاسناد امامی** از مجموعه استخراج شده و لایه داده‌ای مجزای دیگری ایجاد شد. سپس گونه‌های هر دو لایه معرفی شده و در نهایت، الگوهای محتوایی این دو لایه با توجه به نام هر معصوم با یکدیگر مقایسه گردید.

نکات تکمیلی

- جهت رعایت اختصار، در جدول پیوست پژوهش، تمامی روایات به همراه آدرس و موضوعاتشان ذکر شده و روایات صحیح‌الاسناد همراه با سندشان، با رنگ سبز متمایز شده‌اند.
- در متن اصلی مقاله، از شماره روایات اختصاص‌یافته (۱ تا ۱۵۲) استفاده می‌شود تا ارجاع به آن‌ها تسهیل شود. بنابراین، با مراجعه به جدول پیوست، می‌توان مشخصات کامل هر روایت را بر اساس شماره آن مشاهده کرد.
- اسامی راویان امامی و موثق (صحیح‌الاسناد) در جدول پیوست این پژوهش قابل مشاهده است.

نسخه پیش انتشار

گونه‌شناسی احادیث با دلالت تصریحی در غیبت مهدی (ع)

این احادیث به سه دسته اصلی تقسیم شده است: خبر از عصر غیبت.خبر از وقوع غیبت. خبر از شخص غایب. نمودار کامل گونه‌شناسی همراه با زیرشاخه‌هایش در نمودار (۱) آمده است.

۱. گونه اول: خبر از عصر غیبت

این بخش، به بررسی روایاتی اختصاص دارد که به پیش‌بینی و توصیف شرایط این دوره و ویژگی‌های انسان‌های عصر غیبت اشاره دارند. این روایات در چهار محور اصلی طبقه‌بندی شده‌اند.

۱-۱. بایدها و نبایدهای عصر غیبت

این محور شامل دستورها و توصیه‌هایی است که وظیفه منتظران را در دوران غیبت مشخص می‌کند.

انتظار: روایات (۲۶و ۸۹) در این موضوع صحیح‌الاسنادند. در مجموع هفت روایت بر این مفهوم تأکید دارند. در همه آن‌ها، دستور به انتظار با عبارت «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ» آمده و در حدیث (۳) با قید «صباحاً و مسائاً» بر ضرورت انتظار همیشگی تأکید شده است. روایت (۱۲۴) با تعبیر «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِی» قائم را همان مهدی معرفی می‌کند.

تقیه: حدیث (۹۱) تقیه را به‌عنوان شرط حفظ ایمان ضروری می‌دانند. عبارات این روایت نشان می‌دهد تقیه صرفا یک توصیه اخلاقی نیست بلکه ترک تقیه موجب جدایی از ائمه است.

منع از ذکر نام امام: در روایات مرتبط با منع نام‌بردن از امام غایب، عبارت «لایحل ذکره» به‌کار رفته است. روایت (۹۷) حدیث صحیح‌السند این گزاره است. روایت (۱۲۳) در کتاب مقتضب‌الأثر از وهب بن منبه، راوی عامه است. حضور روایتی از وی، در منابع شیعی مانند مقتضب‌الأثر، نشانه نادر بودن این انتقال روایی است. به‌علاوه این حدیث عبارت «اثْنَا عَشَرَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» را نیز دربردارد.

دعا: در روایت صحیح‌السند (۲۶) امام باقر(ع) به زراره محتوای دعا در دوران غیبت را می‌آموزند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیكَ إِلَی آخِرِهِ». این عبارات، علت غیبت و شناخت بیشتر ایشان را نیز در لایه‌ای عمیق‌تر بیان می‌کند.

تمسک جستن: به منتظران توصیه شده است به آنچه از امامان پیشین آموخته‌اند، تمسک جویند. حدیث صحیح‌السند (۸۷) با عبارت «یتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِی هُمْ عَلَیهِ حَتَّی یتَبَینَ لَهُم» و حدیث (۶۲) با عبارت «الْمُتَمَسِّكِینَ بِحَبْلِنَا فِی غَیبَةِ قَائِمِنَا» این مفهوم را بیان می‌کنند. روایات (۹۰ و ۱۱۶) نیز صحیح‌السندند. در روایت (۱۱۹) بحث تمسک به ریسمان امامان با ولایت و برائت آن‌ها و در حدیث (۷۶) امر به موالات ایشان، پیش کشیده شده است؛ بنابراین هر شش روایت، با عبارت مختلف یک مفهوم را منتقل می‌کنند. در همه این روایات، بعد از بیان سختی عصر غیبت در انتها نیز با عباراتی چون «حَتَّی یتَبَینَ لَهُم» (۸۷) «حَتَّی یطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ»[1] (۱۱۶) «حَتَّی یظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» (۱۱۹)، این مفهوم تصویر می‌شود که متمسک به ریسمان ما باشید تا امام غایبتان ظهور کند.

---

۱. تشبیه به ستاره (النجم) در برخی روایات در مورد امام ظاهر نیز آمده است.

تکذیب وقت گذاران: روایاتی که شامل واژه «توقیت» به معنای تعیین وقت ظهورند،[1] به‌شدت از این کار نهی کرده و تعیین‌کنندگان را «کذب الوقاتون» می‌نامند. در روایت (۱۲۹) امام صادق (ع) می‌فرمایند «لاتوقت» اما در دیگر روایات برای نهی از وقت گذاری لفظ «کذب الوقاتون» به کار رفته است. به دلیل اهمیت این موضوع و سوءاستفاده‌هایی که در طول تاریخ از آن شده است منابع مهمی چون کافی بابی به نام «کراهة التوقیت» دارند. نعمانی بابی به نام «ما جاء فی المنع عن التوقیت و التسمیة لصاحب الامر» و شیخ طوسی در الغیبة در فصل هفتم بحثی با عنوان «ذکر الاخبار الواردة فی أنه لا تعیین لوقت خروجه» دارد.

۱-۲. توصیف عصر غیبت

این محور به ویژگی‌ها و شرایط این دوران می‌پردازد که بیانگر پیامدهای نبود امام حاضر است.

فراگیرشدن ظلم: این طیف با ۹ روایتِ صحیح‌السند، بیشترین فراوانی را دارد. عبارت «کما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً» در همه‌ی این روایات تکرار شده است. مگر در روایت (۳۷) با جمله «یُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَاد» نقل به معنا شده است.

شک و تردید: کلیدواژه‌های «رتب» و «شک» به این موضوع پرداخته‌اند. از روایت (۱۴۲) می‌توان نتیجه گرفت ارتداد، ضلالت و شک و تردید در عصر غیبت برای افرادی غیر از اولیاء خداست.

شکوه از نبودن امام: «سترته» و «کتمته» و «غیبته» واژگان ناظر بر غیبت در این دسته‌اند. در دو روایت، منتظران با عبارت «إِنّا نَشْکُو إِلَیکَ فَقْدَ نَبِینَا وَ غَیبَةَ وَلِینَا» به درگاه الهی شکوه می‌کنند.

سختی و مشقت: ائمه دوران غیبت را به دست زدن به خار مغیلان (حدیث ۱۱) کشتی‌های سرگردان در دریا (حدیث ۱۶) و چهارپایان در جستجوی مرتع (حدیث ۴۵ و ۴۶) تشبیه کرده‌اند. روایت (۸۶) نیز به سنگینی دل‌ها در پی طولانی شدن غیبت اشاره دارد و وضعیت مؤمنان را به غرق‌شدگان تشنه‌ای تشبیه می‌کند که نجاتشان تنها درگرو دعاست. در روایت صحیح‌السند (۱۱۶) از روزهایی سخن می‌رود که مردم در آن گداخته می‌شوند. روایت (۱۰۶) نیز در این موضوع صحیح السند است.

عصر فترت: در روایت صحیح السند (۱۱۶) امام صادق پس از توصیف دشواری‌های عصر غیبت، دورانی را ترسیم می‌کنند که موسوم به دوره فترت (توقف) و غیبت امام است.

عصر حیرت:[2] این مفهوم نه‌تنها در روایات، بلکه در عنوان آثار قرن‌های سوم و چهارم هجری نیز به کار رفته است. کتاب‌هایی مانند «الامامة والتبصرة من الحیرة» و «کمال الدین و تمام النعمة فی إثبات الغیبة و کشف الحیرة». همچنین آثار مؤلفانی چون محمدبن أحمدبن عبدالله‌بن قضاعه‌بن صفوان و سلامة‌بن‌محمد ارزنی و عبدالله‌بن جعفر حمیری[3] همگی از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. حدیث (۱) از این مجموعه صحیح السند است.

باقی نماندن اسلام: حدیث (۱۲۸) به زمانی اشاره می‌کند که از اسلام جز نام و از قرآن جز رسم آن باقی نمی‌ماند.

ناامیدی و قساوت قلب‌ها: در توقیع امام زمان (۱۵۰) تصویری از وضعیت معنوی بشر در آستانه ظهور ترسیم می‌شود که همراه با «قَسْوَةِ الْقُلُوبِ» است و روایت (۱۲۷) حاکی از ناامیدی در این دوره است.

---

۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ۲، ۱۰۸.

۲. در زبان روایات واژه حیرت مترادف با غیبت گرفته شده است. «یکون له حیره و غیبه».

۳. نجاشی، الرجال، ۳۹۳، ۱۹۲و ۲۱۹.

۱-۳. ضرورت و حکمت غیبت

غیبت امام دوازدهم بر اساس روایات، اسبابی دارد که به شرح زیر است.

ناگزیر بودن: سه روایتی که حدیث صحیح‌السند در آن‌ها نیست، بر ضرورت پنهان‌بودن مهدی، با عبارت «لَابُدّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيبَةٍ» تأکید دارند.

آزمون مردم: حدیث (۴) غیبت را «مِحْنَة» می‌داند و در حدیث صحیح السند(۲۶) امتحان شیعیان به‌عنوان خواست الهی مطرح شده است.

هم حکمت با غیبت پیامبران: به این معنا که با توجه به شباهت غیبت امام دوازدهم به سنت جاریه در مورد پیامبران پیشین، همان حکمت‌هایی که در غیبت آن‌ها بوده در غیبت امام دوازدهم نیز وجود دارد.

ترس[1] و بیم: در حدیث صحیح (۲۶)، علت غیبت، «يَخَافُ الْقَتْل» بیان شده است. در روایت (۱۱۱) با استناد به آیهٔ «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُم»[2] غیبت مهدی (ع) به‌عنوان «گریزِ ناشی از ترس» تفسیر شده است. این روایت که ذیل تفسیر آیهٔ (۱۵) سورهٔ تکویر («فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ») آمده، اگرچه در بعضی تحریرها، واژهٔ «غیبت» به‌صراحت ذکر نشده، اما عبارت «ففررت» و تفسیر آن در آیهٔ تکویر، به مفهوم غیبت اشاره دارد.

تشخیص اهل ضلالت: روایت (۱۷) حکمت غیبت را جداسازی گمراهان از مؤمنان می‌داند. همچنین در روایت صحیح‌السند (۱۰۵) به‌صراحت تفکیک نفاق از ایمان به‌عنوان علت غیبت مطرح گردیده است.

بیعت کسی را بر گردن نداشتن: در روایت‌های (۱۹، ۵۳،۸۳ و ۴۵) بر این نکته تأکید شده که پنهان‌بودن ولادت و غیبت امام موجب می‌شود تا ایشان در زمان قیام، هیچ بیعتی نسبت به حاکمان یا افراد دیگر نداشته باشند.

۱-۴. باورمندان و ناباوران غیبت

این محور به توصیف افرادی می‌پردازد که در دوران غیبت به سر می‌برند.

منکران غیبت: ده روایت انکار غیبت را هم‌سنگ انکار اصل امامت و حتی رسالت پیامبر می‌دانند. این هشدار در روایت‌های (۵۰، ۵۳ و صحیح‌السند ٥٤) با تعابیر شدیدتری تکرار شده است. در روایت صحیح‌السند (۷۲) انکار غیبت به «مِيتَةً جَاهِلِيّةً» تعبیر شده است. حدیث (۱) نیز صحیح‌السند است.

بشارت به معتقدان: هشت روایت با واژه «طوبی» به مؤمنان و درک کنندگان عصر غیبت بشارت می‌دهند. مفهوم یاد شده در روایت‌های (۱۲ و ۱۵) به شکل «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ» تکرار شده است. همچنین متمسکین به امر ائمه، در روایت‌های (۶۲، ۱۲۱ و ۹۱) و متقین و صابران در روایت (۱۱۳) مشمول تعبیر «طوبی لهم» شده‌اند.

توصیف معتقدان: روایات، معتقدان به غیبت را در زمره برجسته‌ترین انسان‌ها برمی‌شمارند. در حدیث ۴۳، آنان «لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ» نامیده شده‌اند. در روایت (۶۵) امام علی (ع) این گروه را «أُولَئِكَ الْأَقَلُّونَ عَدَداً الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللّهِ قَدْراً» می‌نامند.

---

۱. در روایاتی مانند (۶۵ و ۶۶) از ویژگی‌های شخص امام غایب، ترسان (خائف) بودن مطرح شده است؛ اما به دلیل اینکه این ترس صراحتی به علت غیبت ندارد در این سنخ گنجانده نشده است.

۲. طه: ۲۱.

در احادیث (۱۶، ۸۶ و ۱۰۵) ایمان این افراد را «نگاشته شده بر لوح قلب» و «تقویت‌شده به روح الهی» معرفی می‌کنند. برخی روایات، جایگاه این مؤمنان را هم‌تراز با مجاهدان رکاب پیامبر می‌دانند.

هدایت‌شدگان و گمراهان: هفت حدیث به این گونه اشاره دارند و حدیث (۱۰۵) صحیح‌السند است.

جدول (۱). فراوانی موضوعات گونه اول

ردیف	محورها	تعداد کل روایات	تعداد روایات صحیح
۱	بایدها و نبایدهای عصر غیبت	۳۰	۸
۲	توصیف عصر غیبت	۵۹	۱٤
۳	ضرورت و حکمت‌های غیبت	۱۵	٤
٤	باورمندان و ناباوران عصر غیبت	۳۲	٤
	جمع موضوعات	۱۳٦	۳۰

۲. گونه دوم: خبر از وقوع غیبت

این دسته از روایات که ناظر به وقوع پدیده غیبتند، شامل احادیثی می‌شوند که نه‌تنها به واسطه واژگانی مانند: (غیب، ستر، غمر) دلالت صریح بر اندیشه غیبت دارند، بلکه حتی بدون کاربرد این الفاظ، صرفاً از طریق مضمون و مفهوم هم، خبر از وقوع غیبت می‌دهند. ویژگی ممتاز این گروه آن است که هم ازنظر لفظی شامل واژگان صریحِ اشاره‌کننده به غیبت هستند و هم ازنظر مفهومی به‌تنهایی بر این مسئله دلالت می‌کنند. همچنین، این احادیث در هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های دیگرِ گونه‌شناسیِ غیبت جای نمی‌گیرند، زیرا تمرکز اصلی آن‌ها صرفاً بر تبیین ماهیت غیبت و اثبات وقوع آن در آینده است. این گونه از روایات، بر اساس محورهای محتوایی، به سه زیرمجموعه قابل تقسیم است.

۲-۱. خالی نبودن زمین از حجت

اصل خالی نبودن زمین از حجت، از اصول بنیادین شیعه امامیه است. شیخ مفید در کتاب أوائل المقالات آن را نخستین وجه افتراق شیعه امامیه از دیگر فرق شیعه می‌داند.[۱] او در این کتاب می‌نویسد که امامیه به وجوب امامت و وجود (مصداق) آن در هر زمان ایمان دارد و برخلاف فرقه‌های دیگر مانند معتزله، خوارج، زیدیه و مرجئه، معتقد است که: «لا بد فی کل زمان من إمام

۱. مفید، اوائل‌المقالات، ۳۸.

موجود یحتج الله عزوجل به علی عباده».[1] در توضیح عبارت «لاتخلوا الارض»، ابن ابی الحدید نیز لفظ «حجة لازمة» را به کار می‌برد و اشاره می‌کند که این عبارت می‌تواند به باور امامیه مبنی بر وجود امام معصوم در هر زمان اشاره داشته باشد.[2]

یازده روایت از این مفهوم با واژه‌هایی که دلالت صریح بر اندیشه غیبت دارند، آمده‌اند. ویژگی مشترک این روایات استفاده از ماده «خلو» است. به‌غیر از ریشه «غیب»، بیشترین واژگانی که در این دسته روایات به کار رفته‌اند، واژگان «مستور»، «مغمور» و «مکتوم» هستند. پیامبر (ص) و امام علی (ع) نخستین معصومانی هستند که این مفهوم را عرضه کرده‌اند.

۲-۲. اشاره به «سنت[3] غیبت پیامبران پیشین»

از محورهای مهم در روایات غیبت، توجه به جریان ثابت سنت الهی در مورد غیبت پیامبران پیشین است. این دسته از احادیث، با بررسی پدیده غیبت در میان انبیا، زمینه را برای فهم و پذیرش غیبت مهدی (ع) به عنوان تداوم همان جریان، فراهم می‌آورد. در مجموع بیست و سه روایت در این طیف قرار می‌گیرند.[4] چهار روایت به عمومیت جریان سنت غیبت اشاره دارند و بخش دیگری از این روایات، نام پیامبرانی مانند حضرت موسی را به میان آورده است. در مجموع ۳ روایت (٥٦، ۱۰۵ و ١٤٨) صحیح‌السند در این گونه وجود دارد.

سنت پیامبران (بدون مصداق): در روایات متعددی، سنت غیبت پیامبران به‌عنوان الگویی برای غیبت امام مهدی(ع) مطرح شده است. این موضوع به قدری حائز اهمیت بوده که فضل بن شاذان کتابی با عنوان «حذو النعل بالنعل» نگاشته است.[5] در روایت (۸۶) آمده است: «إِنَّ ابْنِی هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِی وَ هُوَ الَّذِی یجْرِی فِیهِ سُنَنُ الْأَنْبِیاءِ:بِالتَّعْمِیرِ وَ الْغَیبَةِ». طبق روایت دیگری (۹۵) امام تأکید می‌کنند: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِیاءِ:بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَیبَاتِ حَادِثَةٌ فِی الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّةِ بِالْقُذَّةِ» که نشان می‌دهد غیبت امام مهدی مطابق با الگوهای پیامبران پیشین است. در روایت صحیح‌السند (۱۴۸) شباهت امام مهدی به چهار پیامبر با عبارت «سُنَّةَ أَرْبَعَةِ أَنْبِیاءَ» مطرح شده است.

غیبت حضرت موسی: در زبان حدیث، غیبت امام مهدی(ع) به طور ویژه با غیبت حضرت موسی مقایسه شده است. در حدیث (۱۳) چهار وجه شباهت میان این دو ذکر شده: ۱. طولانی شدن مدت غیبت ۲. ترس و اضطراب مداوم ۳. پنهان بودن ولادت امام ۴. رنج و محنت پیروان.

غیبت حضرت عیسی: در حدیث (۱۳) اختلاف مردم درباره حضرت مهدی به اختلاف مردم درباره حضرت عیسی تشبیه شده که وجه مشترک آن، تردید مردم در اصل وجود و سرنوشت ایشان است.

---

۱. مفید، اوائل‌المقالات، ۳۹؛ رجایی و دیگران، «نقش احادیث مشهور در شکل‌گیری باور شیعه به پیوستگی سلسله‌ی امامت»، ۷۷.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ۱، ۱۱۴.

۳. واژه «سنت» به معنای شیوه و روش دائمی الهی است. (نک: ازهری، تهذیب اللغة، ۱۲، ۲۱۰؛ اسماعیل‌بن عباد، المحیط فی اللغة، ۸، ۲۴۸).

٤ . یک روایت نیز از غیرمعصوم نقل شده است.

۵. صدوق، کمال‌الدین، ۱، ۲۰۱.

غیبت حضرت خضر: طبق روایت صحیح‌السند (۱۰۵)، امام حسن عسکری(ع) در پاسخ به احمدبن اسحاق قمی از طولانی بودن غیبت به‌عنوان وجه مشترک امام عصر با حضرت خضر و ذوالقرنین یاد می‌کنند.

غیبت حضرت یوسف: شباهت غیبت امام مهدی به غیبت حضرت یوسف مضمون پنج روایت است. در حدیث (۲۹)، وجه شباهت «سجن» یا «حبس» ذکر شده است. محققانی همچون ویلفرد مادلونگ این حدیث را دارای ریشه‌ای واقفی می‌داند که برای تثبیت قائم بودن امام کاظم (ع) جعل شده است.[۱] این روایت از طریق شبکه راویان واقفی مانند علی‌بن ابی‌حمزه بطائنی به کتاب‌هایی چون الغیبة نعمانی و دلائل‌الإمامه رسیده است.[۲] به لحاظ مفهومی نیز واژه «سجن» با قائم مورد نظر واقفیان سازگار است نه دوازده‌امامی‌ها، زیرا امام عصر هرگز در حبس و زندان نبوده تا از این جنبه همانند یوسف باشد. این موضوع در منابع ملل و نحل نیز انعکاس یافته است، جایی که واقفیان امام کاظم (ع) را شبیه عیسی می‌دانستند.[۳] حتی در منابع نصیری نیز ردپای این گفتمان دیده می‌شود.[٤]

غیبت حضرت یونس: در سه روایت، وجه شباهت میان امام مهدی و حضرت یونس بر بازگشت در سن جوانی پس از یک دوره غیبت استوار است.

غیبت حضرت صالح: وجه اشتراک اصلی در روایت (۱۰۹) پدیده غیبت و سپس بازگشت او است، چنان‌که پس از بازگشت حضرت صالح، بسیاری از مردم وی را نشناختند.

غیبت حضرت محمد:[٥] در حدیث (۳۹)، امام صادق (ع) با عبارت «سُنَّتُهُ سُنَّتِی» نشان می‌دهند که امام مهدی ادامه‌دهنده راه و سنت پیامبر است.

۲-۳. روایات دال بر غیبت (صغری و کبری)

این زیرمجموعه شامل احادیثی است که به وقوع هر دو دوره، یعنی غیبت صغری و کبری، اشاره می‌کنند.

روایات دال بر دو غیبت (بدون جزئیات): سه حدیث در این دسته قرار دارند که در متن آن‌ها، از واژه‌های «غیبتین» یا «غیبتان» استفاده شده است. عبارت «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيبَتَينِ» تعبیر مشترک دو حدیث (۳۰) و حدیث صحیح‌السند (٦) است.

روایات دال بر غیبت کوتاه و بلند: در این دسته از روایات، علاوه بر واژه‌های «غیبتین» و «غیبتان»، به‌طور مشخص از دو عنوان «غیبت صغری» و «غیبت کبری» سخن به میان آمده است. در مجموع ده روایت در این زیرمجموعه قرار می‌گیرند. سه حدیث (۲۳ و ۲٤ و ۲۵) با عبارت مشترک «له غَيبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنْ الْأُخْرَى» است. روایت (۲۱) در این مجموعه صحیح‌السند است.

---

1. Madelung, *AL Mahdi*, p 1236.

۲. نعمانی، الغیبة، ۲۲۸؛ طبری آملی، دلائل الإمامة، ۵۳۲. (نک: پاکروان، «پنداره مهدی (ع) خشونت‌گرا»، ۴۹۸- ۵۰۱).

۳. نوبختی، فرق الشیعة، ۶۸؛ شهرستانی، الملل و النحل، ۱، ۱۹۸.

٤. قال داؤودبن‌کثیر الرقی قال....أن له غیبة کغیبة المسیح ثم یظهر ویظهر الحق علی یده. (منسوب به محمدبن‌سنان، الحجب‌والانوار در سلسلة التراث العلوی ۶، ۴۹-۵۰) (نک: پاکروان، «پنداره مهدی ع خشونت‌گرا» ۵۰۱)

۵. در برخی احادیث غیبت مهدی به پنهان شدن محمد تمثیل شده است. «**وَ لِمِثْلِ ذَلِكَ اخْتَفَى رَسُولُ اللَّهِ فِي الشِّعْبِ**». (طوسی، الغیبه، ۳۳۲).

غیبت طولانی: بیست و چهار حدیث به این مفهوم اشاره دارند، بدون آنکه به تقسیم‌بندی دوگانه غیبت تصریح کنند. در روایت (۱۳)، طولانی بودن غیبت به‌عنوان یکی از چهار وجه مشترک مهدی (ع) و موسی (ع) بیان شده است. حدیث (۴۲) علاوه بر تأکید بر طولانی بودن غیبت، به «حیرتی گمراه‌کننده» در این دوران اشاره دارد. ۵ روایت این مجموعه صحیح‌السندند.

جدول (۲). فراوانی موضوعات گونه دوم

ردیف	محورها	تعداد روایت	تعداد روایت صحیح
۱	خالی نبودن زمین از حجت	۱۱	۳
۲	سنت غیبت پیامبران پیشین	۲۳	۳
۳	غیبت (صغری و کبری)	۳۷	۷
	جمع موضوعات	۷۱	۱۳

۳. گونه سوم: خبر از شخص غایب[1]

«خبر از شخص غایب» در این محور به معرفی نسل، نسب، نام و القابی می‌پردازد که جایگاه ایشان را در سلسله امامت مشخص می‌کند. همچنین، اطلاعاتی درباره ویژگی‌های فردی و اجتماعی ایشان ارائه می‌دهد و درنهایت، ابعاد مختلف نقش حضرت مهدی در دوران غیبت را از طریق توصیف‌ها، تشبیه‌ها، استعاره‌ها و نمادهای گوناگون بیان می‌کند. این گونه از روایات، بر اساس محورهای محتوایی، به چهار زیرمجموعه قابل‌تقسیم است.

۳-۱. معرفی شخص غایب

۳-۱-۱. نسل و نسب

روایات بسیاری وجود دارند که به تعداد امامان و نسب مهدی موعود (ع) تصریح کرده‌اند. معصومان در بسیاری از نقل‌های مربوط به دوازده امام، تأکید کرده‌اند امام دوازدهم، همان امام غایب است.[2] در این گونه ۱۰ روایت صحیح وجود دارد. این عدد نشان می‌دهد به‌طور هم‌زمان به غیبت و تعداد دوازده امام اشاره دارند که بیانگر ارتباط عمیق این دو مفهوم است.

۳-۱-۲. اسامی و القاب[3]

روایاتی که به معرفی اسامی و القاب خاص امام زمان(ع) می‌پردازند:

هم‌نام پیامبر(ص): دوازده روایت به این گونه اختصاص دارد. مشهورترین تعابیر در این زمینه عبارت «اسمه اسمی و کنیه کنیتی» و «سَمِیی وَ کَنِیی» هستند که از قول پیامبر نقل شده‌اند.

صاحب: این واژه تعابیر مختلفی مانند «صاحب‌الزمان» و «صاحب‌هذه الامر» آمده است.

---

۱. یادآوری می‌شود این ویژگی‌ها در روایات بسیار مفصل‌اند اما در این پژوهش آن‌هایی که حاوی دلالت صریح بر اندیشه غیبت‌اند، لحاظ شده است.

۲. برای نمونه: روایت ۶۰ و ۷۲.

۳. ۱۶ روایت صحیح‌السند، از این القاب استفاده کرده‌اند.

قائم: این لقب با بیشترین بسامد قابل مشاهده است. واژه «قائم» به معنای «برپای دارنده امر امامت» است و به‌جز این معنای اصطلاحی در برخی روایات با پسوندهایی چون «قائم آل‌محمد»، «قائمنا» و «القائم‌منا» آمده است که نشان‌دهنده هویت خاص ایشان است.

مهدی، بقیه‌الله، حجة و منتظر عناوین دیگر این مجموعه‌اند.

۳-۲. ویژگی‌های فردی

این بخش به توصیف ویژگی‌های جسمانی و ظاهری حضرت مهدی (ع) می‌پردازد و حدیث (۳۱) صحیح‌السند است.

جوان بودن: در چندین روایت، بر جوان بودن ظاهر حضرت مهدی (ع) در هنگام ظهور تأکید شده است. در حدیث (۱۰) سن ظاهری ایشان ۳۲ سال ذکر شده است. این مفهوم با «إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبّانِ» در حدیث (۳۱) بیان شده است که نشان‌دهنده تناقض‌نمای عمر طولانی و ظاهر جوان ایشان است.

شباهت به پیامبر(ص): دربرخی احادیث، ایشان به‌عنوان «شبیه‌ترین مردم» ازنظر خلقی و خلقی به پیامبر(ص) توصیف شده‌اند. در روایت (۵۰) ایشان را دارنده «خصلت‌های همانند خصلت‌های من» معرفی کرده‌اند. امام حسن عسکری(ع) نیز در روایت (۹) فرزندشان را «وارثِ شباهت کامل به رسول‌الله در خلق‌وخو» می‌دانند.

شباهت به امام رضا (ع): حدیث (٤٧) تنها روایتی است که در آن امام رضا، مهدی را هم نام پیامبر و شبیه به خود و شبیه به موسی بن عمران معرفی می‌کنند.

قدرتمند بودن: حدیث (۳۱) با عبارت «مَنْظَرِ الشُّبّانِ قَوِياً فِي بَدَنِهِ» این صفت ایشان را به تصویر می‌کشد.

طول عمر: در سه روایت بر طول عمر حضرت مهدی تأکید شده است. در روایت (۷۴)، با اشاره به عمر طولانی حضرت آدم و نوح طول عمر امام زمان به‌عنوان امری ممکن و مشابه سنت‌های الهی در تاریخ توصیف می‌شود.

۳-۳. ویژگی‌های اجتماعی

این روایات از حالاتی چون پنهان‌بودن امام از دیدگاه عموم اشاره دارند.

مکتوم بودن: در سه روایت (۶۵، ۶۶ و ۱۳۶) از واژه‌هایی از ماده «کتم» استفاده شده است. حدیث (۶۵) ایشان را با دو وصف «ظاهر غیرمطاع» و «مکتتم» توصیف می‌کند.

شناخته نشدن: واژه کلیدی در این دسته «لَمْ يعْرِفُونه» به معنای ناشناس بودن ایشان است. در روایت (۱۰۰) امام صادق(ع) بعد از بیان خالی نبودن زمین از حجت، به شناخت یک‌طرفه امام و مردم اشاره می‌کنند.

تنها بودن: منظور از این گونه، عبارت «الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمَوْتُورُ» است که درباره حضرت به کار گرفته شده است. سه حدیث با این توصیف آمده است.[1]

مغمور بودن: این واژه از ریشه «غمر» است و در مقابل «مشهور» به کار رفته است. در روایت‌های (۶۵، ۶۶، ۷۳ و صحیح‌السند ۷۱) از عبارت «مغمورا» برای امام غایب استفاده شده است.

---

۱. هرچند این روایت در منابع حدیثی شیعه نقل شده، اما وجود قراین تاریخی و مشکلات سندی، باعث شده که محققان با احتیاط به آن نگاه کنند و احتمال تأثیر جریانات انحرافی مانند یحیی بن عمر را در آن جدی بگیرند(نک: آهنگر داودی، در انتظار کدام منجی؟، ۲۹ و۳۰).

مخفی بودن: در حدیث (٦٨) در عبارت: «وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ»، واژه «ظاهراً» در مقابل «خاف» قرار گرفته است.

ترسان بودن: در سه روایت (۱۳، ۲۹ و ۷۴) امام مهدی(ع) به موسی(ع) با ویژگی‌های «خوف دائمی»، «ترس همراه با انتظار» و «خوف و غیبت» تشبیه شده‌اند.

مستور بودن: عباراتی مانند «ستر حجت الهی» و «غیبت امام در ستر الهی» هرکدام بیانی از مستور بودن امام غایب را می‌رسانند.

غایب بودن: واژه‌هایی چون «غَائِبٍ»، «لَهُ غَيْبَةٌ» و «غَابَ عَنِ النَّاسِ» مستقیماً بر صفت غایب بودن ایشان تأکید دارند.[1]

در حجاب بودن: امام حسن عسکری در حدیث (۱۳۶) با تعبیر «يحْجُبُهُ عَنْ عِبَادِهِ» و پیامبر در روایت (۴۹) با عبارت «و حُجِبَ عَنْهُمُ الْحُجَّةُ» این مفهوم را بیان کرده‌اند.

حی بودن: در حدیث (۶۰) آمده است: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يقْسَمُ مِيرَاثُهُ وَ هُوَ حَيٌ» که صراحت در زنده بودن ایشان دارد.

نامشخص بودن مکان: عباراتی همچون «وَ لَمْ يعْلَمُوا بِمَكَانِهِ» و «لَا يعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ شِيعَتِهِ» این گونه را تشکیل می‌دهند.

دیده نشدن: واژه‌هایی مانند «لایرونه»، «فلم یروه» و «لایُری» در روایات به‌صراحت به مفهوم «دیده نشدن» امام در دوران غیبت اشاره دارند. این مفهوم در همه این دسته روایات، به‌غیر از روایت (۹۷) که با عبارت «يغيب عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ» آمده، با ریشه «رای» نقل شده است.

محفوظ بودن: روایت (۹) از امام حسن عسکری با عبارت «يَحْفَظُهُ اللَّهُ تبارک‌وتعالی فِي غَيْبَتِهِ» محفوظ بودن ایشان را می‌رساند.

۱۱ روایت صحیح‌الاسناد در این مجموعه شمارش شده است.[2]

۳-٤. توصیف‌ها و تشبیه‌ها

در این دسته، ابعاد مختلف نقش و حضور حضرت مهدی در دوران غیبت از طریق استعاره‌ها و نمادهایی بیان شده است.

آب فرورفته در زمین: در روایت‌های (۳۲، ۳۳ و ۳۴) امام غایب به «ماء غورا» تشبیه شده است.

خورشید پنهان و شهاب درخشان: در روایات (۳۶، ۵۳ و ۶۹) بهره‌وری انسان‌ها از امام غایب به بهره‌وری از خورشیدی که پشت ابر است، توصیف و در سه حدیث مهدی به «شهاب ثاقب» تشبیه شده است.

صاحب زبان راستین و نمایان‌کننده حق و دین: در روایت ۱۱۷، جبرئیل، از مهدی با عناوینی مانند «کلمة الحق»، «لسان الصدق» و «مظهر الحق» یاد می‌کند.

ناطق صامت: حدیث (۷۰) با این توصیف آمده است.

برپادارنده و گسترش‌دهنده حق: در روایت (۷۵)، ایشان «الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ» خوانده شده‌اند.

---

۱. درست است که همه روایات به‌نوعی غایب بودن حضرت را می‌رساند اما در این سنخ روایاتی استفاده شده‌اند که مستقیم تأکید بر صفت غایب بودن ایشان است و مفهوم این عبارت در گونه‌های دیگر نگنجیده است. به‌عبارت‌دیگر مفهوم اصلی عبارت صفت غیبت ایشان بوده است.

۲. احادیث (۵، ۶، ۲۱، ۳۱، ۳۴، ۷۱، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۱۰۶).

صاحب حکم داودی و شکوه عیسوی: در حدیث (۱۱۲)، ایشان به‌عنوان صاحب «بهاء عیسی» و «صاحب حکم داوود» معرفی می‌شوند.

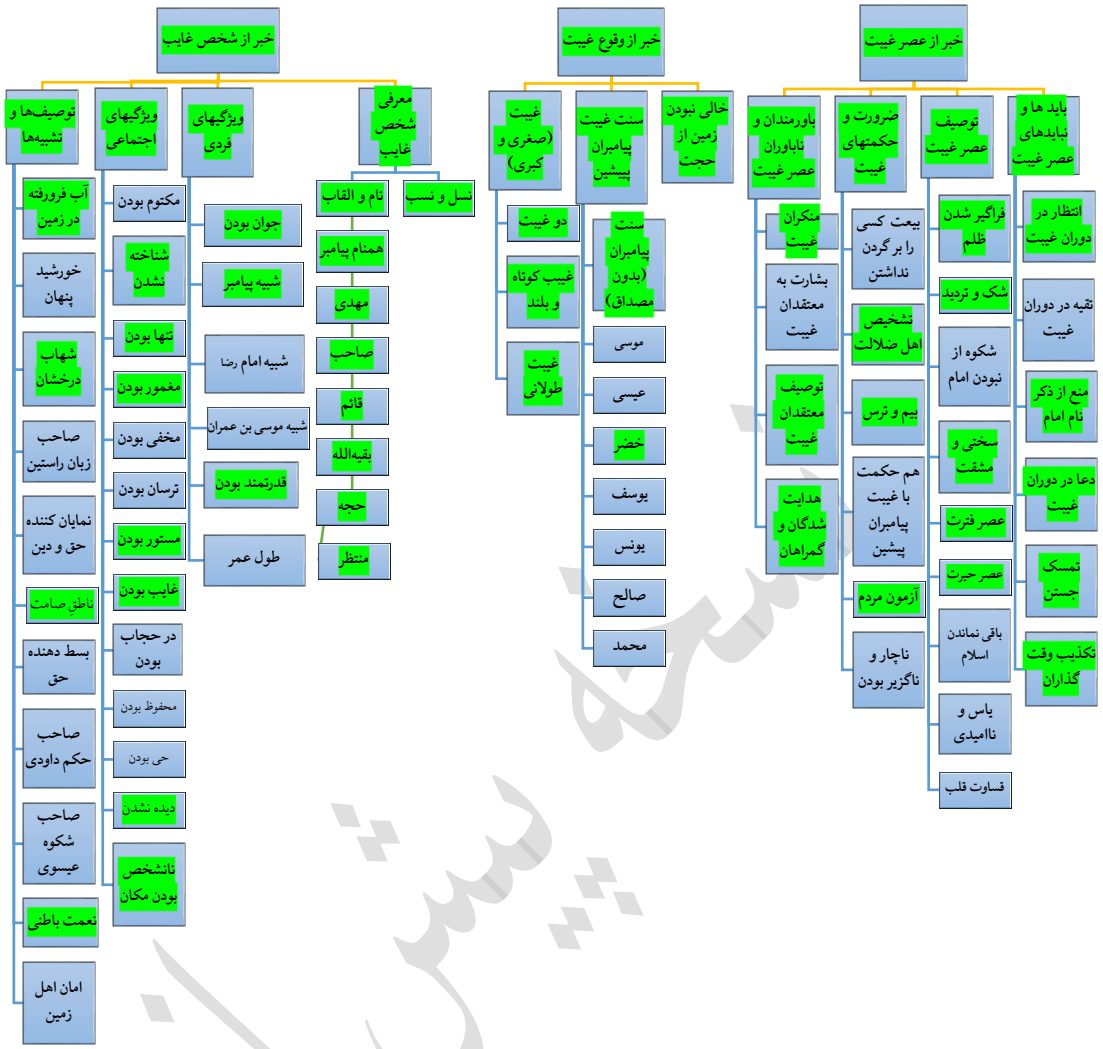
نعمت باطنی: در حدیث صحیح‌السند (۹۷)، مهدی به‌عنوان «النعمة الباطنة» معرفی می‌شوند که نمایانگر هدایت باطنی ایشان است.

امان اهل زمین: در حدیث (۵۳)، امام مهدی (ع) خودشان را با جمله «إِنِّی لَأَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ»، معرفی کرده‌اند.

نیمی از موضوعات مطرح‌شده در باب «توصیف‌ها و تشبیه‌ها»، دارای حداقل یک روایت صحیح‌السندند که شامل ٤ حدیثند (۱۸، ۳٤، ۷۱، ۹۷).

جدول (۳). فراوانی موضوعات گونه سوم

ردیف	محورها		تعداد روایت	تعداد روایت صحیح
۱	معرفی شخص غایب	نسل و نسب	۵۸	۱۰
		نام و القاب	۱۱۷	۱۶
۲	ویژگی‌های فردی		۱۵	۱
۳	ویژگی‌های اجتماعی		۶۰	۱۱
۴	توصیف‌ها و تشبیه‌ها		۱۴	۴
	جمع موضوعات		۲۶۴	۴۲



نمودار(۱): گونه‌های گزاره‌های روایاتی که دلالت صریح بر اندیشه غیبت دارند.

* رنگ سبز: گونه‌هایی که در آن‌ها روایات صحیح‌الاسناد وجود دارد

٤. بررسی وحدت محتوایی مجموعه روایات تصریحی با روایات صحیح‌الاسناد، بر اساس ترتیب صدور

در این بخش، روایات صحیح‌الاسنادِ حاصل از گونه‌شناسی احادیث این پژوهش با توجه به نام هر معصوم و با ارائه جدول فراوانی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. به عبارت دیگر، روایات غیرصحیح کنار گذاشته می‌شوند و گزاره‌های احادیث صحیح بررسی می‌شوند سپس نتایج بایکدیگر مقایسه خواهند شد (جدول ٤). از این رهگذر درمی‌یابیم که حذف روایاتِ غیرصحیح تا چه اندازه می‌تواند، تصویر کلی سیر تبیین را تغییر دهد؟

جدول زیر، موضوعات مرتبط با غیبت حضرت مهدی را بر اساس روایات نقل شده از هر یک از معصومان نشان می‌دهد. منظور از «همه» فراوانی همه روایات است و منظور از «صحیح» فراوانی روایات صحیح‌الاسناد است. رنگ سبز و زرد به ترتیب نشان می‌دهند که از چه گزاره‌هایی روایت صحیح داریم و از کدام یک حدیث صحیح نداریم.

جدول (٤). فراوانی موضوعی گزاره‌های روایات اندیشه غیبت، بر اساس نام معصومان

همه روایات/ روایات	نام معصوم	خبر از وقوع غیبت			خبر از عصر غیبت				خبر از شخص غایب					جمع گزاره‌ها	جمع روایات
		غیبت (صغری و	خالی نبودن زمین از	سنت غیبت پیامبران	باورمندان و ناباوران	بایدها و نبایدهای	توصیف عصر غیبت	ضرورت و علت غیبت	معرفی (نسل و نسب)	معرفی (اسامی و	توصیف‌ها و تشبیه‌ها	ویژگی های فردی	ویژگی های اجتماعی		
همه	پیامبر	۷	۰	۲	۸	۱	۷	۰	۱۶	۲۰	۴	۵	۸	۷۸	۲۱
صحیح		۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۷	۲
همه	امام علی	۱	۲	۱	۴	۰	۳	۲	۴	۵	۱	۰	۳	۲۵	۸
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همه	امام حسن	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۲	۲	۰	۱	۱	۹	۲
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همه	امام حسین	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۳	۳	۰	۰	۱	۱۰	۳
صحیح		۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۴	۱
همه	امام سجاد	۲	۲	۱	۲	۲	۰	۰	۲	۳	۱	۱	۲	۱۸	۵
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همه	امام باقر	۶	۰	۴	۳	۲	۴	۳	۵	۱۴	۳	۱	۹	۵۴	۱۸
صحیح		۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۲	۱	۰	۰	۲	۹	۳
همه	امام صادق	۱۱	۲	۱۰	۷	۱۰	۲۰	۵	۷	۴۰	۲	۲	۱۷	۱۳۲	۴۸
صحیح		۳	۱	۱	۱	۴	۷	۲	۱	۸	۲	۰	۶	۳۶	۱۲
همه	امام کاظم	۱	۰	۱	۱	۲	۴	۱	۳	۴	۲	۰	۴	۲۳	۷
صحیح		۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۲	۰	۲	۷	۲
همه	امام رضا	۰	۱	۱	۱	۳	۵	۱	۴	۸	۰	۲	۶	۳۲	۱۱

		خبر از وقوع غیبت			خبر از عصر غیبت				خبر از شخص غایب						
همه روایات/ روایات	نام معصوم	غیبت (صغری و	خالی نبودن زمین از	سنت غیبت پیامبران	باورمندان و ناباوران	بایدها و نبایدهای	توصیف عصر غیبت	ضرورت و علت غیبت	معرفی (نسل و نسب)	معرفی (اسامی و	توصیف‌ها و تشبیه‌ها	ویژگی های فردی	ویژگی های اجتماعی	جمع گزاره‌ها	جمع روایات
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۲	۰	۱	۱	۸	۲
همه	امام جواد	۱	۰	۰	۰	۳	۳	۰	۱	۳	۰	۰	۱	۱۲	۳
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همه	امام هادی	۰	۰	۱	۰	۳	۳	۰	۳	۶	۰	۱	۳	۲۱	۸
صحیح		۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
همه	امام حسن عسکری	۵	۳	۲	۴	۳	۷	۱	۸	۷	۰	۲	۵	۴۸	۱۲
صحیح		۱	۲	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۰	۰	۰	۱۳	۲
همه	امام زمان	۲	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۱	۰	۰	۹	۳
صحیح		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همه	جمع هرگونه	۳۷	۱۱	۲۳	۳۲	۳۰	۵۹	۱۵	۵۸	۱۱۷	۱۴	۱۵	۶۰		۱۴۹[1]
صحیح		۷	۳	۳	۴	۸	۱۴	۴	۱۰	۱۶	۴	۱	۱۱		۲۵

٤-١. پیامبر اکرم و امام علی(ع)

۱. از جمع ۱۵۲ روایت، ۳ حدیث از معصوم (ع) نقل نشده است.

پیامبر اکرم به‌عنوان سرچشمه اصلی معارف اسلامی، اولین کسی بود که به موضوع غیبت امام زمان پرداخت. با توجه به گزاره‌های موجود در دو حدیث صحیح از ایشان، نشان می‌دهد تمرکز روایاتشان بر بنیان‌گذاری کلیات اندیشه غیبت، خبر از وقوع آن و معرفی اولیه مهدی(ع) است. از امام علی (ع) حدیث صحیح‌السندی به دست ما نرسیده است.[1]

٤-٢. امام حسن(ع) و امام حسین(ع)

از امام حسن (ع) حدیث صحیح‌السندی به دست ما نرسیده است. توصیف عصر غیبت، دو غیبت و معرفی نسل و نسب مهدی(ع) از گزاره‌های مورد بیان امام حسین است. در گزاره «باورمندان و ناباوران عصر غیبت» و «ویژگی‌های اجتماعی» سند صحیح امامی نداریم.

٤-٣.امام سجاد(ع)

امام سجاد (ع)، ٥ حدیث درباره اندیشه غیبت دارند که صحیح‌الاسناد نیستند. به‌طور کلی در در قرن اول هجری، مسئله غیبت به‌صورت اجمالی و اشاره‌ای بیان شده است. این نوع بیان تنها به جهت آشنایی و ایجاد زمینه‌های فکری در اذهان بزرگان شیعه بوده است. در دوران امام سجاد (ع)، با توجه به شرایط خاص زمانه و فشار بنی‌امیه، روایات ایشان بیشتر بر جنبه‌های معرفتی و ایمانی تأکید دارد.

٤-٤. صادقین (ع)

با آغاز دوران امام باقر(ع) و گسترش فرصت‌های علمی، تبیین اندیشه غیبت وارد مرحله جدیدی شد. امام صادق(ع) به دلیل وسعت فرصت‌ها و تعداد شاگردان، بیشترین روایات و به طبع آن روایات صحیح را در زمینه غیبت به خود اختصاص داده و به ابعاد مختلف اندیشه غیبت با جزئیات بیشتری پرداخته‌اند. نقش صادقین را می‌توان در جامع‌ترین و مفصل‌ترین تبیین تمام ابعاد غیبت (علت، ویژگی‌های دوران، وظایف و معرفی امام) خلاصه کرد. ایشان به شبهات کلامی (ضرورت و علت غیبت، سنت غیبت پیامبران) پاسخ دادند، ویژگی‌های عصر غیبت را کامل‌تر تبیین کردند و شخص امام را دقیق‌تر معرفی نمودند. این دوره، اوج تبیین جامع مهدویت است و البته در گزاره ویژگی‌های فردی روایت صحیح‌الاسناد ندارند.

٤-٥. امام کاظم(ع)، امام رضا(ع)، امام جواد(ع) تا امام هادی(ع)

در دوران این ائمه تعداد روایات مربوط به غیبت تا حدی کاهش می‌یابد، اما هر یک از ایشان به سهم خود به ابعادی از این موضوع پرداخته‌اند. با نزدیک شدن دوران غیبت صغری، تأکید بر معرفی دقیق نسل و نسب و اسامی و القاب امام مهدی برای تثبیت هویت ایشان افزایش می‌یابد. همچنین، تبیین بایدها و نبایدها و توصیف عصر غیبت برای آماده‌سازی عملی شیعیان ادامه می‌یابد. مفاهیمی چون تأکید بر ضرورت و علت غیبت، معرفی امام زمان، بایدها و نبایدها در عصر غیبت و تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت از این سه امام (به غیر از امام جواد) در روایات صحیح نقل شده است.

---

١. اگرچه از برخی ائمه روایات صحیح‌السند نداریم، اما روایات موثق و حتی احادیث دیگری داریم که از نظر مفهومی و عبارتی کاملاً با روایات صحیح‌السند همخوانی دارند.

٤-٦. امام حسن عسکری(ع)

آن حضرت به دلیل نزدیک بودن زمان غیبت امام زمان، نقش بسیار مهمی در آماده‌سازی شیعیان برای این دوران ایفا کردند. ۲ روایت صحیح‌السند از ایشان رسیده است که شامل همه گزاره‌ها به غیر از «توصیفات و ویژگیهای فردی و اجتماعی» می‌شود. در دوران امام عسکری(ع)، شیعه آموخته بود که می‌تواند بدون حضور ظاهری امام، آموزه‌های دینی خود را از وکیلان ائمه و عالمان اصحاب بیاموزد. بنابراین، با توجه به آماده‌سازی‌های ائمه، پس از شهادت امام حسن عسکری(ع) و وقوع غیبت، جامعه شیعه بدون هیچ تزلزل جدی و انشعابات متعدد، به‌خوبی غیبت را پذیرفت.[1]

٤-٧. امام زمان

مجموعه گزاره‌های موجود از ایشان به ۹ موضوع می‌رسد. مکاتبات و توقیعات در دوران غیبت صغری، منبع ارزشمندی برای فهم اندیشه غیبت و وظایف شیعیان در این دوران است.

نسخه پیش انتشار

۱. غلامعلی، «بن مایه‌های غیبت امام عصر در روایات»، ۱۸۰.

نتیجه‌گیری

۱. کفایت و اصالت روایات معتبر: تحلیل مقایسه‌ای میان روایات صحیح‌الاسناد امامی و مجموعه روایات (شامل روایات امامی و غیرامامی) تفاوت محتوایی معناداری را نشان نداد. این نتیجه، فرضیه اصلی تحقیق را تأیید نموده و نشان داد که روایات معتبر و صحیح امامی به تنهایی برای تبیین جامع و کامل اندیشه غیبت کافی بوده و حتی با کنار گذاشتن روایات غیرصحیح، تمامی زوایا و مفاهیم بنیادین این آموزه به دست ما رسیده است.

۲. رد نظریه‌های تأثیرپذیری: همسانی الگوهای محتوایی میان دو مجموعه داده، پشتوانه تجربی قوی‌ای برای رد نظریه‌هایی فراهم می‌کند که از تأثیرپذیری اندیشه غیبت از جریان‌های فکری غیرامامی سخن می‌گویند. این همسانی اثبات می‌کند که محتوای روایات صحیح امامی به خودی خود، اصالت و تمامیت این اندیشه را تأیید می‌کند.

۳. استمرار سیر تبیین: بررسی سیر زمانی روایات از پیامبر اکرم (ص) تا امام دوازدهم نشان‌دهنده روندی مستمر و هدفمند در تبیین اندیشه غیبت است. این روند، در هر دو مجموعه داده (تمام روایات و روایات صحیح‌الاسناد) به یک شکل دنبال می‌شود. این استمرار تبیین، نشان می‌دهد که اندیشه غیبت یک آموزه اصیل و ریشه‌دار در احادیث صحیح ائمه است و از خدشه‌ها می‌کاهد.

٤. پایداری اصول: اصول بنیادین اندیشه غیبت مانند معرفی هویت امام، ضرورت وجود حجت الهی و لزوم آمادگی شیعیان در عصر غیبت، حتی با محدود کردن به روایات صحیح‌الاسناد، به وضوح از ابتدای سیر تبیین تا دوران ائمه متأخر قابل مشاهده است. این نشان‌دهنده استحکام و پایایی مبانی این اندیشه در منابع حدیثی شیعه است.

- و در یک سخن این پژوهش با پر کردن خلأ موجود در تحقیقات پیشین که روایات را به صورت همگن بررسی می‌کردند، به این نتیجه می‌رسد که اندیشه غیبت، نه یک آموزه متأثر از دیگر فرقه‌ها، بلکه یک اصل ریشه‌دار و اصیل در میراث حدیثی امامیه است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آهنگر داودی، مژگان. در انتظار کدام منجی؟، تهران: پناه، چاپ دوم، ۱٤۰۱ ش.

۲. آل طه، حسن. جامع الاثر فی امامة الائمة الاثنی عشر. تهران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.

الویری، محسن. گونه شناسی انتقادی دیدگاهها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۸، ۱۳۹۱: ۷-۵۲.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبةالله. شرح نهج‌البلاغة. قم: کتابخانهٔ عمومی آیةالله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۳۷ ش.

٤. ابن‌بابویه، علی‌بن‌حسین. الامامة و التبصرة من الحیرة. به کوشش: مدرسه امام مهدی، قم: مدرسة الإمام المهدی، چاپ اول، ۱٤۰٤ ق.

۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی. تحف العقول. تحقیق: غفاری. علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱٤۰٤ ق.

٦. ابن‌منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱٤۱٤ ق. (نرم افزار قاموس النور).

۷. ازهری، محمدبن احمد. تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۸. اسماعیل‌بن عباد (مشهور به صاحب). المحیط فی اللغة. تصحیح: آل یاسین، محمد حسین، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

پاکروان، مهدیه. تحلیل تاریخی «پنداره مهدی(ع)خشونت‌گرا»(مبتنی بر منابع روایی شیعه دوازده امامی تا قرن هفتم هـ.ق.). استاد راهنما، محمدعلی ولوی. استاد مشاور، نصرت نیلساز، دانشگاه الزهرا، دانشکده تاریخ، دکتری تخصصی. ۱۴۰۱.

۹. حر عاملی، محمدبن‌حسن. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱٤۲۵ ق.

۱۰. حسن‌بن علی(ع)، امام یازدهم. التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری(ع). قم: مدرسة الإمام المهدی، ۱٤۰۹ ق.

۱۱. حسین‌بن علی(ع). تفسیر منسوب به امام حسین(ع). عراق: العتبة الحسینیة المقدسة، قسم الشؤون الفکریة و الثقافیة، ۱٤۳۰.

۱۲. حلبی، ابوالصلاح تقی‌بن نجم. تقریب المعارف. فارس: تبریزیان الحسون. ۱٤۱۷ ق.

۱۳. خزاز قمی، علی‌بن‌محمد. کفایة الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر. قم: بیدار، ۱٤۰۱ ق.

۱٤. خصیبی، حسین‌بن‌حمدان. الهدایة الکبری. بیروت: البلاغ، ۱٤۱۹ ق.

۱۵. رجایی، مهدیه و دیگران. «نقش احادیث مشهور در شکل‌گیری باور شیعه به پیوستگی سلسله‌ی امامت». نشریه امامت پژوهی ، ش ۱۷ (۱۳۹۴).

۱٦. شهرستانی، محمدبن‌عبدالکریم. الملل و النحل. به کوشش: بدران، محمد، قم: الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳٦٤ ش.

۱۷. شوشتری، محمدتقی. قاموس الرجال. قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱٤۱۰ ق.

۱۸. صدر، محمدصادق. موسوعه الامام المهدی، تاریخ الغیبه الکبری. قم: نصایح، ۲۰۰٤ م.

۱۹. صدوق، محمدبن علی. الأمالی. تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷٦ ش.

۲۰. صدوق، محمدبن علی. التوحید. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.

۲۱. صدوق، محمدبن‌علی. الخصال. به کوشش: غفاری، علی‌اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳٦۲ ش.

۲۲. صدوق، محمدبن‌علی. علل الشرایع. قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

۲۳. صدوق، محمدبن‌علی. عیون اخبار الرضا. تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.

۲٤. صدوق، محمدبن‌علی. کمال الدین و تمام النعمة. به کوشش: غفاری، علی‌اکبر، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

۲۵. صدوق، محمدبن‌علی. معانی‌الاخبار. به کوشش: غفاری، علی‌اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ اول، ۱٤۱۰ ق.

۲٦. صدوق، محمدبن‌علی. من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ دوم، ۱٤۱۳ ق.

۲۷. صفار قمی، محمدبن‌حسن. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد. به کوشش: کوچه باغی، محسن‌بن عباسعلی، قم: مکتبة آیةالله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱٤۰٤ ق.

۲۸. طوسی، محمدبن‌حسن. اختیار معرفه الرجال. تصحیح: مصطفوی،حسن، مشهد: دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱٤۰۹ ق.

۲۹. طوسی، محمدبن‌حسن. الامالی. قم: منشورات سید رضی، ۱۴۱۴ ق.

۳۰. طوسی، محمدبن‌حسن. الغیبة. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ سوم، ۱٤۲۵ ق.

۳۱. طوسی، محمدبن‌حسن. تهذیب الاحکام. به کوشش: موسوی خرسان، حسن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱٤۰۷ ق.

۳۲. طوسی، محمدبن‌حسن. مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱٤۱۱ ق.

۳۳. عریضی، علی‌بن جعفر. مسائل علی‌بن جعفر و مستدرکاتها. قم: مؤسسة آل البیت، ۱٤۰۹ق.

۳٤. غلامعلی، مهدی. «بن مایه‌های غیبت امام عصر در روایات». علوم حدیث، ش ۵۳ (۱۳۸۸): ۱٦۱- ۱۸۵.

۳۵. کورانی عاملی، علی. فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، قم: نشر معروف، ۱۳۹۴ ش.

۳٦. کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم. تفسیر. تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۰ ق.

۳۷. کراجکی، محمدبن علی‌بن عثمان. کنز الفوائد. بیروت: دارالاضواء، ۱٤۰۵ ق.

۳۸. کشی، محمدبن‌عمر. رجال الکشی. تحقیق: طوسی، محمدبن حسن، طوسی، محمد و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسهٔ نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱٤۰۹ ق.

۳۹. کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳٦۲ ش.

٤۰. کوفی، فرات‌بن ابراهیم. تفسیر. تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۰ ق.

٤۱. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. به کوشش: بهبودی، محمدباقر و دیگران، بیروت: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱٤۰۳ ق.

٤٢. مدرسی طباطبائی، حسین. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری. ترجمه: قرائی، علی، جعفریان، رسول، قم، ۱۳۸۳.
٤٣. مفید، محمدبن محمد. الإختصاص. قم: الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٤٤. مفید، محمدبن محمد. المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.
٤٥. مفید، محمدبن محمد. اوائل المقالات. به کوشش: انصاری زنجانی، ابراهیم، قم: دارالمفید، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٤٦. مفید، محمدبن‌محمد. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگرهٔ شیخ مفید، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٤٧. منسوب به محمدبن‌سنان. کتاب الحجب والانوار درسلسلة التراث العلوی. لبنان: دارلاجل المعرفة، ٢٠٠٦ م.
٤٨. موسوی نیا، سعیده سادات. طباطبایی، کاظم. «بررسی رویکرد علمای امامی به میراث واقفه در روایات غیبت». مشرق موعود، سال چهاردهم، ش ٥٦ (١٣٩٩): ٧١-٩٤.
٤٩. نادری، مرتضی. «اصالت و اعتبار احادیث غیبت امام دوازدهم (تحلیل انتقادی نظریه وابستگی امامیه به واقفه در احادیث غیبت)». استاد راهنما، حسن طارمی راد، منصور پهلوان. استاد مشاور، عبدالهادی فقهی زاده، مجید معارف، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دکتری تخصصی، ١٣٩٦.
٥٠. نجاشی، احمدبن علی. الرجال. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، ١٣٦٥ ش.
٥١. نعمانی، ابن‌أبی‌زینب محمدبن‌ابراهیم. الغیبة. تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ١٣٩٧ ق.
٥٢. نوبختی، حسن‌بن‌موسی. فرق الشیعة. بیروت: دار الأضواء. چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.

٥٥. Madelung, Wilferd; AL-MAHDI ،The Encyclopaedia of Islam 2, Vol 5, p 1230; Leiden, Brill 1986 – 2004.